

پروژه تاپی



نویسنده: امینه "باختری"

هش: ۱۴۰۲

. نام کتاب: پروژه تاپی

. مؤلف: امینه "باختری"

. ایدیت و اهتمام: محمد رضا اخلاقی

. ناشر: مطبعه مهر

. نوبت: چاپ: اول

. سال چاپ: ۱۴۰۲ هـ ش

. تیراژ: ۱۰۰ جلد

. محل چاپ: کابل افغانستان شماره تماس

۰۷۹۸۳۰۲۰۰۶

حق چاپ برای نویسنده محفوظ است!



پیشگفتار

حمد و سپاس بیکران خداوند یکتا را و سلام و صلوات بر محمد مصطفی (ص) که بعد از او پیامبر دیگری نمی آید و درود و رحمت خدا، بر خاندان و اصحاب و یارانش.

خداوند متعال را سپاس گذارم که به من توفیق عطا نمود تا طی چند ماه توانستم کتاب خود را تکمیل و دست نشر بسپارم این اثر به حیث کتاب درسی برای محصلین پوهنخی های اقتصاد تحریر گردیده است محتویات آن شامل مباحثی است که در طول سالیان متمادی برای پوهنخی های اقتصاد در پوهنتون ها تدریس میگردید.

این اثر شامل سه قسمت است که عبارت اند از:

- 1 - قسمت اول شامل موضوعات چون: معرفی پروژه تاپی، اهمیت پروژه تاپی میباشد.
- 2 - قسمت دوم شامل موضوعات همچون: ذخایر گاز، تولید گاز، صادرات گاز میباشد.
- 3 - قسمت سوم شامل موضوعات همچون تاریخچه و پیشینه پروژه تاپی و موضوعات عمومی است که مورد بحث قرار داده میشود.

مطالعه و فهم دقیق موضوعات شامل این کتاب خواننده را به اساسات پروژه تاپی وارد ساخته و زمینه را برای درک و مطالعه پیشرفت مساعد میسازد.

امید است مطالعه این اثر نه تنها برای محصلین پوهنځی های اقتصاد بلکه برای کارکنان در امور اقتصادی و سایر علاقمندان پروژه تاپی مفید واقع شده بتواند.

در این اثر بنده اگر نواقص دیده می شود با بزرگی خود بنده را مورد عفو قرار بدهید.

امینه "باختری"

فهرست مطالب

فصل اول: مفاهیم و کلیات ۹

مقدمه ۱۰

پروژه ۱۴

تاپی ۱۴

اهداف کتاب حاضر ۱۷

اهمیت عبور پایپ لاین گاز ترکمنستان برای افغانستان ۱۸

پروژه تاپی و کشکمش های پشت پرده ۲۴

مزایای تاپی برای کشور؛ هزاران شغل و صدها میلیون دالر

عواید ۲۶

موانع صادرات گاز ترکمنستان به هند ۲۸

۱- اختلافات بین هند و پاکستان: ۲۸

۲- نآرامیهای افغانستان: ۲۹

۳- اختلافات بر سر بهای گاز و حق ترانزیت گاز: ۳۰

فصل دوم – معلومات در باره گاز ۳۳

ترکمنستان، ذخایر، تولید و صادرات گاز ۳۴

- ذخایر گاز: ۳۴.....
- شکل شماره ۱- ذخایر گازی ترکمنستان ۳۶
- تولید گاز: ۳۶
- شکل شماره ۲- ذخایر گازی ترکمنستان ۳۸
- صادرات گاز: ۳۸
- شکل شماره ۳- ذخایر گازی ترکمنستان ۳۹
- مسیر های احتمالی انتقال گاز ترکمنستان: ۴۰
- انتقال گاز ترکمنستان به هند: ۴۱
- عوامل موثر در ایجاد طرح تاپی: ۴۲
- ۱- نیاز هند به انرژی: ۴۲
- شکل شماره ۴- تولید و مصرف گاز هند (میلیارد متر مکعب) ۴۵
- ۲- نیاز پاکستان به انرژی: ۴۵
- شکل شماره ۶- تولید و مصرف گاز پاکستان ۴۶
- ۳- نقش امریکا در پروژه گاز در ترکمنستان به هند: ۴۷
- مسیر های صادرات گاز ترکمنستان ۴۹

۵۱..... سهم افغانستان از پروژه تاپی

۵۳..... ویژگی های اقتصادی و تکنیکی پروژه تاپی

۵۵..... فصل سوم – پیشینه و تاریخچه پروژه تاپی

۵۶..... چگونگی ایجاد پروژه تاپی

۵۹..... پیشینه داخلی

۶۳..... پیشینه خارجی

۶۵..... نظریه سرمایه گذاری خارجی و توسعه اقتصادی

۶۶..... نظریه روش های جذب سرمایه گذاری خارجی

۶۷..... نظریه همگرایی اقتصادی

۷۰..... همگرایی منطقه ای

۷۲..... منطقه گرایی در نظریه های روابط بین الملل

۷۷..... نتیجه گیری

۸۵..... منابع و مآخذ

فصل اول: مفاهيم و کلیات

مقدمه

انرژی گاز یک منبع مهم و قابل اهمیت برای صنعت تولید برق و یک بدیل خوب بجای ذغال سنگ برای سوخت است. امروزه تمام کشور های صنعتی رو به انکشاف در صدد آن هستند که بیشتر آنرا برای خویش اختصاص بدهند و تقاضا برای گاز روز افزون بیشتر میگردد . بعضی از کشور های بدلیل نداشتن ذخایر گازی کافی و رشد روز افزون نفوس و به دلیل و مواجه شدن ساعت ها و قطعی برق مانند کشور هندوستان و پاکستان و بعضی از کشور های هستند که به دلیل نبودن زیر ساخت های گازی نمیتوان ذخایر گازی خود را استخراج و استفاده کنند، این کشور ها به دلیل قیمت بلند گاز مواجه هستند مانند افغانستان که نمیتوانند معادن گازی خود را به دلیل نداشتن امکانات و زیر ساخت های گازی استخراج کنند و از ان استفاده کنند.پاکستان در سال ۱۹۹۰ تصمیم گرفت که گاز ترکمنستان را از طریق

افغانستان وارد این کشور کند اما به دلیل نظام حاکم در افغانستان ترکمنستان آماده نگردید که این عمل را انجام دهد بالاخره در سال ۲۰۰۳ با حمایت بانک انکشاف آسیایی افغانستان ، ترکمنستان و پاکستان تصمیم گرفتن که گاز ترکمنستان را خریداری و از طریق افغانستان وارد پاکستان کنند و هند در سال ۲۰۰۸ رسماً در این پروژه بزرگ پیوست و این پروژه بنام پروژه تاپی مسماً گردید و این چهار کشور تصمیم گرفتن که این پروژه سیاسی و اقتصادی را عملی بسازند که این پروژه برای هر چهار کشور فواید سیاسی و اقتصادی دارد. که بیشترین سود در این میان به افغانستان تعلق خواهد گرفت.

بیشترین ذخایر گاز در دنیا خلیج فارس ، آسیایی مرکزی و قفقاز قرار دارد در حدود ۶۰ فیصد از کل ذخایر نفتی و ۴۰ فیصد از کل ذخایر گاز دنیا در این مناطق وجود دارد. اکنون پروژه تاپی یک پروژه واحد نبوده ، بلکه چندین پروژه دیگر نیز در امتداد این لوله

گاز عملی خواهد شد. یکی از این پروژه ها، پروژه انتقال برق ۵۰۰ کیلو وات ترکمنستان ، افغانستان و پاکستان است که برق ترکمنستان را به پاکستان از طریق افغانستان انتقال خواهد داد. بر بنیاد گفته های ریاست جمهوری ، افغانستان سالانه تا ۱۱۰ میلیون دالر حق ترانزیت از انتقال برق از ترکمنستان به پاکستان به دست خواهد آورد و سه سب-استیشن برق در ولایت های هرات ، فراه و کندهار ساخته خواهند شد. به اضافه انتقال برق، کیبل فایبر نوری نیز در منطقه کشیده خواهد شد و کشور های همسایه را با هم وصل خواهد کرد

پروژه دیگری که در امتداد لوله گاز پروژه تاپی عملی خواهد شد، خط آهنی است که پاکستان و ترکمنستان را از طریق افغانستان با هم وصل می کند. در همین حال ، خط آهن بندر تورغندی افغانستان به درازای ۱۳ کیلومتر با هزینه پیش از ۱۰ میلیون دالر توسط کشور ترکمنستان بازسازی خواهد شد. پس از

مطرح شدن ایده تاپی از دهه ۱۹۹۰ میلادی ، مذاکرات جدی برای اجرای آن در سال ۲۰۰۳ با حمایت انکشاف آسیایی آغاز شد . هند در سال ۲۰۰۸ رسماً به این پروژه پیوست و اولین موافقتنامه مربوط به آن، در سال ۲۰۱۰ میان چهار کشور افغانستان ، هند ، پاکستان و ترکمنستان امضاء شد . قرارداد اجرای آن نیز ، در دسامبر ۲۰۱۵ میان رهبران چهار کشور به امضاء رسید و در نهایت ، کار عملی در ۲۰۱۶ آغاز شد احتمال دارد تا اوایل سال ۲۰۲۰ مرحله گاز رسانی این طرح آغاز شود. بر اساس توافق نامه که مقرر شد خط لوله گاز طبیعی ۱۰۷۸ مایلی با هزینه ۷/۵ میلیارد دالر معروف به ترانس افغان یا تاپی که گاز ترکمنستان را از حوزه "گالکینیش" در جنوب ترکمنستان ، که ذخایر آن تا ۱۶ تریلیون متر مکعب برآورد شده، از راه ولایت های هرات ، هلمند، فراه و کندهار افغانستان به کویته ، بلوچستان پاکستان و از آنجا به شهر مولتان این کشور منتقل می کندو بالاخره در منطقه

موسوم به فاضلیا در پنجاب هند به پایان می رسد. طول این خط لوله، در مجموع ۱۸۱۴ کیلومتر است که ۸۱۶ کیلومتر آن از خاک افغانستان عبور میکند و ظرفیت انتقال سالانه ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز میباشد.

پروژه

پروژه عبارت اند از یک سلسله فعالیتهای مرتبط به هم پیچیده منحصر به فرد با در نظر داشت زمان مشخص و معین دارای اهداف مشخص با بودجه از قبل تعیین شده که در تحت یک اداره یک ارگان واحد اجرای فعالیت کند پروژه گفته میشود. یا عبارت دیگر پروژه کار جدیدی است که در چارچوب زمان، هزینه و کیفیتی مشخص باید انجام شود.

تاپی

تاپی که از اختصار نام کشور های مشترک المنافع (ترکمنستان ، افغانستان، پاکستان و هندوستان) گرفته شده است.

خط لوله گاز طبیعی ۱۰۷۸ مایلی با هزینه ۷/۵ میلیارد دالر معروف به ترانس افغان یا تاپی برای انتقال گاز طبیعی ترکمنستان از افغانستان و پاکستان تا هند احوادث می گردد . تاپی گاز ترکمنستان را از حوزه گالکینیشن که ذخایر آن تا ۱۶ تریلیون متر مکعب برآورد شده طول این خط لوله ۱۸۱۶ کیلومتر میباشد. این خط لوله گاز بعد از ۱۴۷ کیلومتر در خاک ترکمنستان وارد افغانستان شده و با سپری نمودن ۸۱۶ کیلومتر از راه ولایات هرات، فراه، هلمند و قندهار افغانستان به کویته پاکستان و از آنجا به شهر ملتان این کشور منتقل می کند و بالاخره در منطقه فاضلکا در پنجاب هند به پایان می رسد. در طول مسیر خط لوله گاز تاپی ، ۱۲ پمپ فشار نصب می شود که پنج پایه آن به ارزش ۱ میلیارد دالر در داخل افغانستان خواهد بود. خط لوله گاز تاپی برای منطقه و چهار کشور عضو ، خصوصا افغانستان ، فواید و دستاورد های بزرگ اقتصادی ، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی در پی

خواهد داشت همچنین ، بخش غربی فایبر نوری حلقوی افغانستان از مسیر تاپی می گذرد و خط آهن افغانستان - ترکمنستان ، همزمان با پروژه تاپی افتتاح می شود. پروژه جدید خط انتقال برق ۵۰۰ کیلو وات بین ترکمنستان ، افغانستان و پاکستان نیز از مسیر تاپی خواهد گذشت. و حدود ۱۵ میلیارد دالر نیز در این بخش سرمایه گذاری خواهد شد. سروی و دیزاین انجینیری مسیر ساختمان پایپ لاین در کشور های افغانستان و پاکستان ، شرکت جرمنی انتخاب گردیده است. در حال حاضر سروی تخنیکی در خاک کشور ترکمنستان تکمیل شده است. پایپ لاین گاز تاپی، مشهور به ترانز-افغانستان، از بزرگترین پروژه های انتقال گاز در منطقه میباشد که با عملی شدن آن ، افغانستان به دهلیز اقتصادی میان کشور های آسیای مرکزی و آسیای جنوبی مبدل

خواهد شد. افزون بر آن، پروژه متذکره پر منفعت ترین برای افغانستان به شمار می رود.^۱



اهداف کتاب حاضر

۱. بررسی نقش پروژه تاپی در اقتصاد افغانستان

^۱- اتاق تجارت صنایع افغانستان، پالیسی تشویقی سرمایه گذاری، کابل: انتشارات دفتر روابط عمومی، (۱۳۹۲)

۲. بررسی چگونگی بهره برداری پروژه های تاپی و نقش

اقتصادی آن برای همه کشور ها

۳. بررسی نقش پروژه تاپی بر روابط اقتصادی با کشور های

همسایه افغانستان

اهمیت عبور پایپ لاین گاز ترکمنستان برای

افغانستان

انرژی در عصر حاضر یکی از نیازمندیهای مبرم و ضروری رشد صنعت و تأمین رفاه اجتماعی میباشد. هیچ کشوری نمی تواند به مدارج عالی رشد و توسعه اقتصادی دست یابد مگر اینکه به انرژی کافی جهت رشد و انکشاف صنایع خویش دست بالایی داشته باشد. این نیازمندیها برای کشور های رو به انکشاف که تا هنوز از منابع و مواد خام طبیعی خویش استفاده لازم نکرده اند و منابع کافی را در اختیار دارند از اهمیت ویژه برخوردار میباشد . همین امر سبب شده تا همکاری در ساحه انرژی منحيث اولويت

اساسی در صدر نیازمندیهای افغانستان قرار داشته باشد، نمونه روشن آن پروژه کاسا یک هزار می باشد که چهار کشور عضو ایکو را شامل شده و قرار است با پیشرفت کار عملی آن ۱۰۰۰ میگاوات برق از قزاقستان به افغانستان و پاکستان انتقال داده شود. این یکی از پروژه های مهم بعد از پروژه پایپ لاین گاز ترکمنستان به شمار میرود و می تواند نقش مهمی را در توسعه سرمایه گذاری در عرصه های مختلف داشته باشد. یکی از منابع مهم انرژی گاز می باشد و کشور هاییکه به این منبع مهم اقتصادی دسترسی دارند و با تدابیر و مدیریت مناسب از آن استفاده کرده اند (یا بکنند) بخوبی می توانند سایر نیازمندیهای اقتصادی خویش را برآورده سازند. با توضیح مختصر اهمیت انرژی در زندگی باید متذکر شد که بعد از تاسیس اداره موقت ، انتقالی و تاسیس جمهوری اسلامی افغانستان رشد انکشاف اقتصادی یکی از آرمانهای مردم و دولت افغانستان بوده و پیوسته در جستجوی راه ها و منابع که بتواند

این آرمان انسانی را تحقق بخشد بوده اند. بناً از همان بدو تاسیس اداره موقت عبور پایپ لاین گاز ترکمنستان به پاکستان و حتی هندوستان از طریق خاک افغانستان در سر خط فعالیتهای دولتهای سه کشور منطقه (ترکمنستان، افغانستان و پاکستان) قرار داشته است^۱.

زیرا بعداز فروپاشی اتحاد شوروی، دولت ترکمنستان با دارا بودن منابع عظیم نفت و گاز در تلاش آن شد تا بطور آزاد، مستقل و جدا از قومانده و فرمان مسکو این منابع را برای رشد و توسعه اقتصادی کشور تازه به استقلال رسیده ولی عقب مانده خویش استفاده کنند.

۱. بهروزی فر، مرتضی و سید محمد علی حاجی میرزایی، بازارها جهانی گاز طبیعی و برنامه های صادرات گاز ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۸۴.
۲. اله مرادی، آزاده، ساختار تولید و انتقال انرژی جمهوری ترکمنستان، موسسه مطالعات ایران و اورسیا سال پنجم، شماره ششم، ۱۳۸۹.

از طرف دیگر پیش از سال ۱۹۹۲ روسیه و اوکراین از ترکمنستان گاز وارد میکردند. و درین سال کشور های مذکور از پرداخت قروض ترکمنستان خودداری کردند. این کار ضربه شدید به پیکر اقتصاد ترکمنستان وارد کرد و این کشور را وادار کرد تا درصدد مشتریهای جدید فروش نفت و گاز خود برآید. در آغاز در پی آن شد تا توجه شرکتهای نفتی غرب را به ذخایر نفتی جلب کند، شرکتهای غربی نیز با توجه به این موضوع سعی کردند تا خود را با منافع نفت و گاز کشور های آسیایی میانه منجمله ترکمنستان برسانند. در این برهه زمانی ده ها نشست و دید و وادید از سطح پائین تا سطوح عالی بین کشور های ترکمنستان، افغانستان و پاکستان صورت گرفت تا راه های عملی تطبیق این پروژه را جستجوی و پیدا کنند. همزمان با آن ده ها شرکت خورد و بزرگ طی این مدت ها آمادگی خویش را برای عملی ساختن این پروژه بزرگ نشان دادند و پیوسته در مجالسیکه در زمینه راه

های عملی پروژه صورت گرفت به طور مستقیم و غیر مستقیم حضور داشتند ، تا باشد این شانس بزرگ را از دست ندهند.

خوشبختانه درین اواخر مطالعات مقدماتی سالیان دراز نهایی شده و رهبران افغانستان، پاکستان ، ترکمنستان و هند بتاريخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰ در عشق آباد ترکمنستان حضور به هم رسانیده و موافقت نامه را مبنی بر احداث لوله انتقال گاز ترکمنستان از طریق افغانستان به پاکستان و هند به امضاء رسانیدند و امید میرود که کار عملی آن در سال ۲۰۱۰ میلادی آغاز و طی دو سال به اتمام برسد. بنآء درین مقاله سعی میگردد تا منافع را که لوله گاز ترکمنستان با پاکستان از طریق خاک افغانستان برای کشور ما به ارمغان خواهد آورد به طور فشرده و مختصر بررسی گردد. عبور لوله گاز از ترکمنستان به پاکستان ۱۶۷۵ کیلومتر را طی می کند، نباید به طور مجرد و مجزا از دیگر

پروژه‌ها مطالعه شود و تنها منافع را که نفس این پروژه برای افغانستان دارد بر شمرده شود، بلکه از ابعاد مختلف بررسی شود.^۱



^۱تزری، شیرعلی، بارسازی عرصه‌های اقتصادی افغانستان، کابل، (۱۳۹۷)، ص. ۲۹۱.

پروژه تاپی و کشکمش های پشت پرده

منابع خبری در غرب افغانستان میگویند که برای تامین امنیت پروژه پایپ لاین گاز "تاپی" که میلیارد ها دالر بالای آن سرمایه گذاری شده ، با طالبان توافق صورت گرفته است. در گزارش تحقیقی که کلید گروپ در این زمینه تهیه کرده است، شماری از قومندانان محلی طالبان در ولایات غربی کشور تائید کرده اند که آنها از هر گونه حمله بالای پروژه پایپ لاین گاز "تاپی" جلوگیری کرده و اطمینان داده اند که امنیت خط لوله گاز تاپی را در این حوزه بر هم نمیزنند.^۱ موافقتنامه احداث پایپ لاین گاز ترکمنستان به تاریخ ۱۱ دسامبر سال ۲۰۱۰ میلادی در شهر عشق آباد، پایتخت کشور ترکمنستان ، افغانستان ، پاکستان و هند به امضاء رسید و کار سروی آن تا اواخر سال ۲۰۱۴ میلادی خاتمه خواهد یافت . قرار است کار عملی این پروژه از

تفضلی، فریدون. اقتصادی کلان نظریه ها و سیاست های اقتصادی، تهران،
^۱(۱۳۷۸)، ص، ۴۱.

اوایل سال ۲۰۱۵ میلادی آغاز و تا ختم سال ۲۰۱۷ به پایه اکمال
برسد و در اوایل سال ۲۰۱۸ میلادی به بهره برداری سپرده شود.
طبق توافقنامه ، پایپ لاین گاز تاپی با عبور از ولایت‌های هرات ،
هلمند ، فراه و قندهار وارد بلوچستان و ملتان پاکستان میشود و
پس از آن به هند امتداد میابد. ولسوالیهای غربی که در مسیر این
پروژه قرار گرفته از جنله مناطق نسبتاً نا امن کشور به شمار
میروند و طالبان مسلح در بخشهای از این مسیر، فعالیت
چشمگیری دارند، مانند ولسوالیهای کشک رباط سنگی هرات و
بالابلوک فراه ولسوال رباط سنگی هرات با کشور ترکمنستان هم
سرحد است و این پایپ لاین از طریق همین ولسوالی وارد
افغانستان میشود.

مزایای تاپی برای کشور؛ هزاران شغل و صدها میلیون دالر عواید

اندیشکده اقتصاد و سیاست با نشر لیستی از مزایای پروژه بزرگ تاپی برای افغانستان و فرصت های اقتصادی که این پروژه بزرگ در آینده و دورنمای اقتصادی کشور می گذارد، پرداخته است. در این لیست از مسایلی همانند حق ترانزیت ، ایجاد فرصت های شغلی، عواید سالانه برخاسته از این پروژه و توسعه صنایع ملی یاد شده است. همچنان در لیست اندیشکده اقتصاد و سیاست به مواردی که در اثر موفقیت این پروژه بزرگ برای کشور ایجاد می شود نیز پرداخته شده است.

۱. دریافت سالانه حدود ۴۰۰ میلیون دالر حق العبور.

۲. ایجاد هزاران شغل به شکل مستقیم و غیر مستقیم .

۳. ایجاد شب استیشن های برق.

۴. رشد اقتصادی و افزایش قدرت خرید مردم.

۵. افزایش عواید حکومت.

۶. انکشاف صنایع.

۷. تامین بخش انرژی مورد نیاز کشور.

۸. تثبیت جایگاه و اهمیت اقتصادی و استراتژیک افغانستان

در کشور های آسیای میانه و آسیای جنوبی.

۱- دانستنی های ازین پروژه خط لوله انتقال گاز ترکمنستان به

افغانستان ، پاکستان و هندوستان

دراز: ۱۸۱۴ کیلومتر (۸۱۶ کیلومتر در خاک افغانستان)

هزینه: ۲۲،۵ میلیارد دالر

دوره تطبیق: از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ میلادی

تطبیق کننده : شرکت تاپی لیمیتد (تصدی افغان گاز ، شرکت دولتی ترکمن گاز، شرکت خصوصی گاز سیستم و شرکت خصوصی گیل)

انتقال سالانه : ۲۳ میلیارد متر مکعب گاز

۲- فواید گاز تاپی برای افغانستان و سهم افغانستان از این پروژه:

۱۰ سال اول: ۵۰۰ میلیون متر مکعب.

۱۰ سال دوم: ۱ میلیارد متر مکعب.

۱۰ سال سوم: ۱،۵ میلیارد مکعب.

موانع صادرات گاز ترکمنستان به هند

۱- اختلافات بین هند و پاکستان:

با آنکه این پروژه منافع اقتصادی و سیاسی فراوانی برای

پاکستان و هند به همراه خواهد داشت اما واقعیت این است که

اختلافات و تنش های عمیق ایدیولوژیکی و سزمینی میان هند و

پاکستان از جمله اختلافات بر سر کشمیر یکی از مهمترین موانع در احداث این پروژه است. از دیگر مسایل هم میان دو کشور حق ترانزیتی است که پاکستان از دولت هند برای عبور خط لوله و انتقال گاز دریافت خواهد کرد و در مقابل باید امنیت انتقال گاز به هند را تامین کند و در صورت توقف انتقال گاز پاکستان باید به هند غرامت بپردازد. برای هند امنیت عرضه گاز اهمیت بسیاری دارد با وجود مذاکرات فراوان اما به دلیل "دغدغه های امنیتی" در ارتباط با این پروژه و مساله تروریسم در پاکستان، هنوز هند اطمینان کامل ندارد و اعلام کرده در صورتی که شرکت های بزرگ بیمه بین المللی حاضر به پوشش این پروژه ۷/۳ میلیارد دلاری شوند، اجرای آن خواهد بود.

۲- نآرامیهای افغانستان:

عبور خط لوله از ارتفاعات صعی العبور افغانستان، نبود زیر ساختهای اقتصادی مناسب ، قاچاق مواد مخدر مهمتر از همه

عبور جنگ های داخلی و قومی و حضور گروههای افراطی القاعده از جمله طالبان و نقش این گروه در نآرامیهای سیاسی افغانستان ، نگرانیهایی را برای هر سه کشور ترکمنستان ، پاکستان و هند به همراه دارد. زیرا تاثیرات این نآرامیها در کل منطقه به ویژه در احداث خط لوله ترکمنستان به هند و انتقال گاز از آن کاملا قابل پیش بینی است. این مشکلات امنیتی میتواند یکی از موانع اصلی مذاکرات بر سر عبور خط لوله گاز از مسیر افغانستان باشد. بنابراین رفع آنها از پیش شرط های ادامه مذاکرات برای عبور خط لوله از مسیر افغانستان است.

۳- اختلافات بر سر بهای گاز و حق ترانزیت گاز:

بهای گاز و حق ترانزیت آن از گذشته تا اکنون موضوع اصلی گفت و گوی خط لوله تاپی بوده است. ترکمنستان می خواهد قیمت گاز صادراتی اش برای هر یک از کشورهای عضو این پروژه متفاوت باشد. اما بقیه کشورهای حاضر در پروژه

مخالفت کردند. در اپریل ۲۰۰۸، پاکستان و هند قیمت ۲۰۰ دلار برای هر یک هزار متر مکعب گاز وارداتی از ترکمنستان در مرز ترکمنستان- افغانستان مطرح کردند، اما ترکمنستان، آنرا پایین تر از قیمت هایی بازار گاز دانست همچنین ترکمنستان اعلام داشته که هیچ تعهدی بعد از واگذاری گاز در مرز های خود، اعم از مشارکت در احداث خط لوله، با تعهد در قبال امنیت آن بر عهده نخواهد گرفت. در مذاکراتی که در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ بین کشور های حاضر در اجرای خط لوله در باره گاز بها و تعرفه ترانزیت گاز از مسیر این خط لوله صورت گرفت پاکستان پیشنهاد یکسان بودن بهای گاز را برای همه کشور های حاضر در این پروژه گازی (هند و افغانستان) مطرح و تاکید کرد تعرفه ترانزیت گاز نباید بخشی از بهای گاز در نظر گرفته شوند. همچنین با اعلام مخالفت خود در باره هماهنگی و ارتباط بهای گاز با قیمت نفت خام تاکید

کرد قیمت های گاز باید با قیمت های داخلی این ماده هماهنگ و مرتبط شود.^۱

^۱موسسه بین المللی انرژی، ارزیابی منافع و مضار اقتصادی انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی از ایران در مقایسه با مسیر های احتمالی، ۱۳۸۰.

فصل دوم – معلومات در باره گاز

ترکمنستان، ذخایر، تولید و صادرات گاز

ذخایر گاز

ترکمنستان منابع غنی گاز طبیعی دارد بهمین دلیل اهمیت زیادی در باره انرژی جهان دارد این کشور طی سالهای پس از استقلال، تلاش زیادی را برای سرمایه گذاری در زمینه اکتشاف و بهره برداری از میداین گازی خود به ویژه در حوزه های خزری قره گلدنیز، دیاربکر و چلگن انجام داده است.

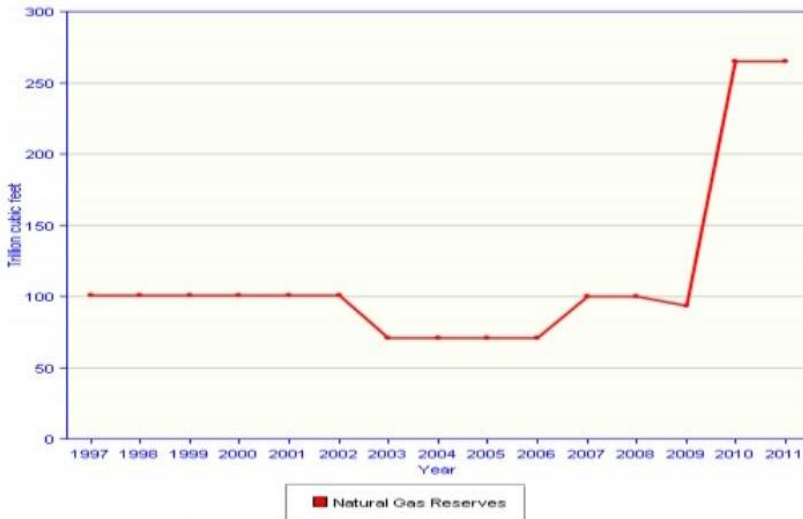
کشف میداین مهم گازی که در سال ۲۰۰۶ با کشف میدان بولتان در نزدیکی میدان عظیم گازی دولت آباد در نزدیکی مرز ایران به اوج خود رسید، موجب تبدیل شدن ترکمنستان به کانون کشور های مصرف کننده انرژی به ویژه اروپا و آسیای جنوب شرقی شد. میزان ذخایر گاز ترکمنستان در سال ۲۰۱۰، ۱۳/۴ تریلیون متر مکعب و در سال ۲۰۱۱، ۲۴/۳ تریلیون متر مکعب اعلام شد که معادل ۱۱/۷٪ کل ذخایر دنیا میشود بنابراین کشور در میان کشور های تازه استقلال یافته، بعداز روسیه دومین کشور و در سطح جهان بعد از روسیه، ایران و قطر چهارمین دارنده ذخایر گاز طبیعی بشمار میرود. این کشور از ذخایر نا شناخته شده ای نیز برخوردار است که با کشف آن حجم ذخایر گازی این کشور افزایش قابل توجهی پیدا خواهد کرد.

ذخایر گاز طبیعی ترکمنستان تقریباً در سراسر خاک این کشور پراکنده است. اما عمده میادین هیدروکربنی ترکمنستان، میادین گازی است که در بخش جنوب شرقی و شمال شرقی آن متمرکز است از جمله:

۱- منطقه دولت آباد-دون مز در جنوب شرق ترکمنستان و در نزدیکی سرخس در مرز ایران بزرگترین منطقه گازی ترکمنستان است. ذخایر گازی این منطقه در سال ۱۹۷۴ کشف شد و در سال ۱۹۸۳ میلادی تولید از این میدان آغاز شده است.

۲- میدان بولتان جنوبی در نزدیکی میدان عظیم گازی دولت آباد در جنوب شرق ترکمنستان که با ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به عنوان یکی از مهمترین ذخایر گازی این کشور و یک منبع مهم انرژی در دریای خزر به شمار می آید.

۳- منابع گازی دیگر ترکمنستان عبارتند از سویت آباد در ۲۴



ک.م جنوب دولت آباد-دون مز، مالی،سامان تپه، ناییک، قریچلی و آچاک در شرق کشور، قطور تپه و کریجه در غرب کشور، میدان های گازی در حوزه مرغاب در مرکز کشور، حوزه یاشلارو منابع گازی شاشلیک.

شکل شماره ۱-ذخایر گازی ترکمنستان

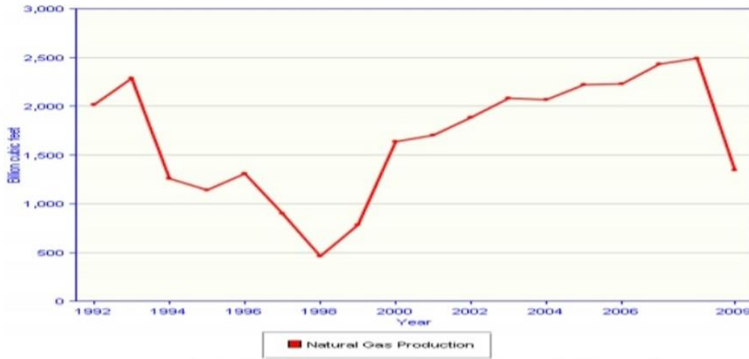
منبع: EIA, International Energy Statistics

تولید گاز:

در سال ۱۹۹۰ م میزان تولید گاز ترکمنستان بالا بود. اما میزان تولید انرژی این کشور طی سالهای ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹، از یک سیر نزولی برخوردار بوده است. به طوری که از ۵۶/۲ در سال ۱۹۹۲ به ۲۱/۳ میلیارد متر مکعب در سال ۱۹۹۹ رسید. این کاهش تولید ناشی از عدم توافق با دولت روسیه به دلیل فروش و انتقال گاز و ناتوانی کشور های تازه استقلال یافته از پرداخت تعهد های مالی ناشی از دریافت گاز بود. تولید گاز ترکمنستان از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ افزایش یافت و با تولید ۶۶/۱ میلیارد متر مکعب رتبه ۱۳ جهان را داشت اما به علت بحران جهانی، تولید گاز در ۲۰۰۹ به

۳۶/۴ میلیارد متر مکعب کاهش یافته و به رتبه ۲۳ جهان تنزل کرد. ترکمنستان در ۲۰۱۰، ۴۲/۴ میلیارد متر مکعب گاز تولید میکرد و رتبه ۲۱ دنیا و در سال ۲۰۱۱، با ۵۹/۵ میلیارد متر مکعب معادل ۱/۸٪ کل دنیا و رتبه جهانی را دارا بوده است. براساس پیش بینی های انجام شده تولید گاز ترکمنستان در سال ۲۰۲۰ به پیش از ۱۳۰ میلیارد متر مکعب افزایش خواهد یافت که با توجه به پیش بینی مصرف ۴۲ میلیارد مکعبی این کشور طی سال مزبور، پیش از ۹۰ میلیارد متر مکعب گاز تولیدی این کشور به صادرات اختصاص خواهد یافت.

نا مشخص بودن تقسیمات خزر، موجب کاهش سرمایه گذاری خارجی در صنعت نفت گاز این کشور ها از جمله ترکمنستان و در نتیجه کاهش تولیدات این کشور های شده و هنوز آنها را در ردیف تولید کننده گان کوچک انرژی قرار داده است.



شکل شماره ۲-ذخایر گازی ترکمنستان

منبع: EIA, International Energy Statistics ۲۰۱۰

صادرات گاز:

صادرات گاز ترکمنستان در سال ۲۰۰۸ معادل ۴۸/۵ میلیارد متر مکعب بود که به علت کاهش تقاضای جهانی در سال ۲۰۰۹، این میزان به ۱۴ میلیارد متر مکعب کاهش یافت و عمدتاً از طریق روسیه صادر میشود. میزان صادرات گاز ترکمنستان در سال ۲۰۱۰، ۱۹/۷۳ میلیارد متر مکعب و در سال ۲۰۱۱، ۳۴/۶ میلیارد متر مکعب بود. ترکمنستان برای صادرات گاز خود همواره با موانعی مواجه بوده است این موانع عبارتند از: محصور بودن در خشکی، نفوذ روسیه در انتقال گاز جمهوری ها، فقدان سرمایه

گذاری خارجی کاف، چالشهای موجود در منطقه، نبود لوله های مناسب انتقال انرژی و ساختار اقتصادی غیر قابل انعطاف در برابر تغییرات جهانی براین اساس ترکمنستان به منظور کاهش نفوذ شریک سنتی خود یعنی روسیه، برنامه انرژی خود را بر مبنای افزایش همکاری با شرکتهای غربی، توسعه گسترده همکاری های بین المللی در بخش نفت و گاز، تلاش در پروژه های حمل و نقل ایجاد تنوع خط لوله های زیر ساختی میداند و توسعه همکاری های گسترده بین المللی خود را بر مبنای برابری و سود متقابل قرار داده است.



شکل شماره ۳- ذخایر گازی ترکمنستان

منبع: EIA, International Energy Statistics

مسیر های احتمالی انتقال گاز ترکمنستان:

همانطوریکه اشاره شد ترکمنستان بدلیل محصور بودن در خشکی مسیر های مطمئنی برای انتقال انرژی به بازار های جهانی ندارد و بیشتر به مسیر های روسیه متکی است. متنوع ساختن مسیر های انتقال انرژی بهترین روش برای مقابله با این مشکل است.

انتقال نفت و گاز ترکمنستان از مسیر های زیر امکان پذیر است:

(۱) مسیر شمالی از طریق قزاقستان و روسیه به اروپا

(۲) ترانس خزر (انتقال از زیر دریای خزر به اروپا)

(۳) انتقال به ایران (مسیر جنوب) که با عبور از خاک ایران به دریای عمان و از آنجا از راه آبی به جنوب شرق و شرق آسیا میرسد.

(۴) خط لوله ناباکو (انتقال به اروپا)

(۵) انتقال به چین (مسیر شرق)

(۶) مسیر جنوب شرق ، ترانس افغانستان - پاکستان - هند (تاپی) این مسیر بدلائل متعددی چون جنگ و نآرامیهای سیاسی افغانستان

و تنش‌های موجود در روابط هند و پاکستان، با مشکلاتی همراه است.^۱

انتقال گاز ترکمنستان به هند:

این طرح ابتدا در سال ۱۹۹۳ برای انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان مطرح شد و شرکت یونوکال به عنوان مجری این پروژه وارد شد. اما نآرامی سیاسی در افغانستان و اقدامات خشونت طلبانه طالبان موجب شد این شرکت در سال ۱۹۹۸ خود را از این پروژه کنار بکشد. این شرکت بعد ها پروژه سنت گاز را مطرح کرد. طرح ۱۶۸۰ کیلومتری جهت انتقال گاز که از میدان گازی دولت آباد ترکمنستان آغاز و موازی با بزرگراه هرات از افغانستان به قندهار و پس از آن در پاکستان از شهر کوئته به مولتان هند می رسد. در روز ۵ اپریل ۲۰۰۸، یادداشت تفاهمی بین هند و ترکمنستان در زمینه نفت و گاز امضاء شد. بر اساس این توافق، دهلی نو متعهد شد ضمن مشارکت در تولید گاز طبیعی در ترکمنستان، گاز تولیدی را از طریق خط لوله ترانس افغانستان منتقل خواهد کرد. در ۱۱ دسامبر ۲۰۱۰ م موافقت نامه نهایی برای

مجتهدزاده، پیروز، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران، انتشارات ، ص، ۲۲.

ساخت خط لوله گازی تاپی از سوی سران کشور های حاضر در این پروژه در عشق آباد امضاء شد.

ظرفیت انتقال این خط لوله ۳۳ میلیارد متر مکعب پیش بینی شد. هزینه احداث آن نیز حدود ۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار برآورده شده است. از آن زمان تاکنون علیرغم مذاکرات و تفاهم نامه های متعدد بین ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند، عواملی از جمله درگیریها و خشونتها در افغانستان و اختلافات میان هند و پاکستان تاکنون مانع از اجرایی شدن این خط لوله شد.

عوامل موثر در ایجاد طرح تاپی:

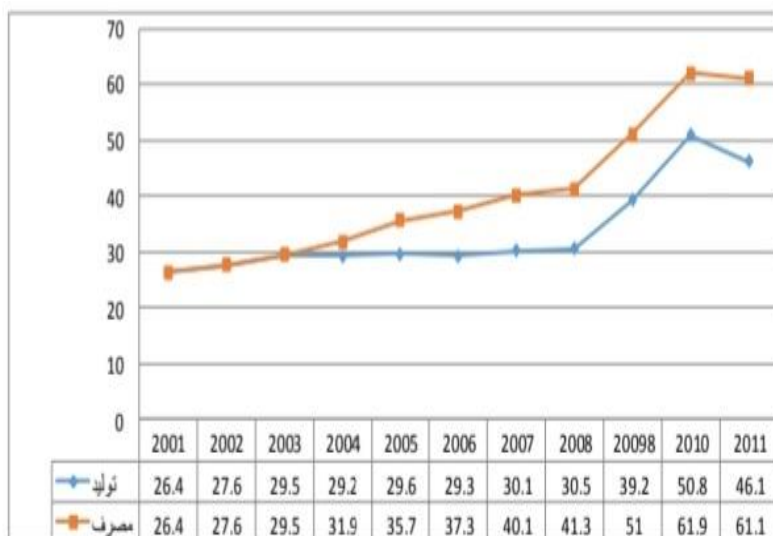
۱- نیاز هند به انرژی:

در جنوب آسیا هند از متقاضیان بزرگ انرژی محسوب میشود. جهش اقتصادی هند پس از دهه ۱۹۹۰، گسترده جغرافیایی، رشد جمعیت و افزایش سطح زندگی دهه های اخیر موجب افزایش سریع تقاضای انرژی در این کشور شد و تامین انرژی و امنیت انرژی به دغدغه استراتژیک این کشور تبدیل شد. با توجه به اتکای زیاد هند به زغال سنگ که آلودگی های زیست محیطی زیادی به همراه دارد و تولید کم گاز در داخل و نیز توجه جهانی به

گاز طبیعی به عنوان سوختی با آلودگی کمتر و حمل آسانتر، هند نیز آنرا به تدریج جایگزین دیگر سوخت های مصرفی کرده و واردات گاز هند در آینده افزایش پیدا میکند. گاز مصرفی هند برای تولید برق استفاده میشود. مصرف گاز این کشور در ۲۰۱۱م ۶۱/۱ میلیارد متر مکعب اعلام شد که ۱۷/۰۱ میلیارد متر مکعب آن از خارج وارد شد. بنابراین هند به منظور تداوم رشد اقتصادی و رسیدن به نرخ رشد بالا ناگزیر به برقراری روابط با تولید کنندگان انرژی برای تامین انرژی بلند مدت است و تولید کنندگان اصلی انرژی به ویژه گاز در سیاست خارجی هند جایگاه ویژه ای می یابند.^۱

براین اساس هند به گزینه های مختلف واردات گاز از بنگلادیش، ایرلن ، قطر، میانمار و ترکمنستان فکر میکند. ترکمنستان و ایران بدلیل ذخایر بالای گاز از منابع مهم تامین گاز هند محسوب میشوند. از سوی دیگر از آنجا که هند به کشورهای آسیای مرکزی به عنوان جایگزین انرژی خاور میانه توجه دارد، کاهش وابستگی به انرژی

موسسه بین المللی انرژی، ارزیابی منافع و مضار اقتصادی انتقال نفت و گاز^۱
 آسیای مرکزی از ایران در مقایسه با مسیر های احتمالی، ۱۳۸۰.



خاور میانه را نیز مد نظر دارد تا از بحرانهای خاور میانه کمتر تاثیر بگیرد.

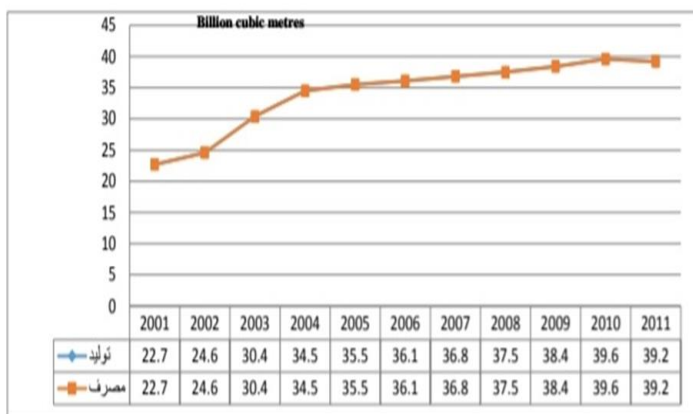
شکل شماره ۴- تولید و مصرف گاز هند (میلیارد متر مکعب)

منبع BP Statistical Review of World Energy June ۲۰۱۱
۲۰۱۱

۲- نیاز پاکستان به انرژی:

پاکستان کشوری است با جمعیت روبه رشد که همیشه با مشکل تامین انرژی برای این جمعیت روبرو بوده است. بسیاری از شهر های بزرگ این کشور با مشکل روزانه ساعت ها قطعی برق مواجه هستند. در کنار آن افزایش تقاضا برای گاز در صنایع را نیز باید اضافه کرد. حجم کم گاز تولیدی در داخل کشور موجب علاقه این کشور برای تامین گاز از همسایگان خود از جمله ایران و ترکمنستان شد. براساس آمار **Bp** میزان تولید و مصرف گاز پاکستان در طی سالهای ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ یکسان بوده است. بدین معنا که پاکستان کمبود گاز مورد نیازش را با استفاده از انرژی های سنتی رفع میکند. در سال ۲۰۱۱ مصرف گاز پاکستان ، ۳۹/۲ میلیارد متر مکعب بود که در سالهای آینده افزایش خواهد یافت. بنابراین پاکستان برای تامین نیاز خود مجبور به وارد کردن گاز است از جمله واردات گاز از ترکمنستان، قطر و ایران. اما موقعیت مالی ضعیف پاکستان تامین اعتبار برای پروژه های خط

لوله را مشکل کرده است و این پروژه ها برای پاکستان توجیه اقتصادی نخواهد داشت مگر اینکه مقصد خط لوله کشور دیگری مانند هند باشد تا از عواید حاصل از حق ترانزیت آن استفاده کند. عبور خط لوله ترکمنستان به هند از خاک پاکستان، این کشور را قادر میسازد تا بخشی از نیاز های خود به انرژی را از طریق و یا نرخ ارزانتر رفع نمایند. همچنین موقعیت استراتژیکی پاکستان به عنوان یک کشور گذرگاهی در تجارت جهانی انرژی افزایش خواهد یافت.



شکل شماره ۶- تولید و مصرف گاز پاکستان

منبع: BP Statistical Review of World Energy June ۲۰۱۱

۳- نقش امریکا در پروژه گاز در ترکمنستان به هند:

با سقوط شوروی و ظهور کشور های تازه استقلال یافته ای که برخی از آنها از جمله ترکمنستان و آذربایجان دارای منابع سرشار انرژی بودند تلاشهای امریکا برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در این کشورها و کاهش نفوذ ایران و روسیه در انتقال نفت و گاز خزر آغاز شد. امروزه غرب به ایران به عنوان کشوری دارای ذخایر استراتژییک که مسیر انتقال این ذخایر را نیز در اختیار دارد نگاه میکنند که میتواند نقش محدود کننده یا تسهیل کننده ای در دسترسی سایر کشور ها به این منابع داشته باشد. ایران به عنوان دومین کشور دارنده ذخایر گازی جهان میتواند با صدور گاز به کشور های جنوب و شرق آسیا به ویژه چین و هند و پاکستان نقش مهمی را در تامین نیاز آنها ایفا کند. علاوه بر آن دارای موقعیت استثنایی جهت انتقال منابع انرژی همسایگان شمالی خود از جمله انتقال منابع گازی ترکمنستان به ساحل خلیج فارس جهت صدور به هند و جنوب شرق آسیا است.

اما انریوا برای رسیدن به اهداف استراتژیکی خود در خاور میانه و جهان، انزوای اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایران را ضروری میداند و موانع زیادی را در اجرای پروژه های ایجاد کرده است که ایران در آنها نقش دارد از جمله تلاش برای تضعیف، تخریب و حتی حذف

نقش ایران، ارائه تصویری مداخله جویانه و تهدید کننده از ایران، دامن زدن به اختلافات ایران و کشور های همسایه و حمایت گسترده سیاسی-مالی از طرح هایی که نقش ایران را نادیده میگیرد، همه نشان از تلاش امریکا برای تضعیف و حتی حذف نقش ایران در انتقال انرژی خزر است. در کنار آن تلاش ایران برای اعمال نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و خاور میانه تا نفس امریکا را کم تر کند هم توسط امریکا به بن بست رسید ک بدلائل پختلفی تاکنون چندان موفق نشده است. با وجود اذعان مقامات امریکایی به ظرفیت های بالقوه ایران به عنوان تن ها کشور ارتباط دهنده دو انبار تامین کننده انرژی ق ۲۱.م یعنی خلیج فارس و حزره این امکان باید خنثی شود تا امنیت منطقه ای و جهانی مورد تفسیر امریکا حفظ شود. بر این اساس امریکا با هر گونه همکاری انرژی ایران با کشور های جنوب و شرق آسیا مخالف است و علیرغم تشویق هند و پاکستان به کاهش تنش میان خود به روشنی مخالفت خود را با مشارکت این دو کشور در امور انرژی با ایران اعلام کرده و خواستار عدم توافق پاکستان، هند و چین با ایران در باره (خط لوله صلح) یا آبیی شد. نتیجه این تلاشها، طرح مسیر های دیگر برای انتقال انرژی خزر توسط

استراتژی اصلی خود قرار داده و هدفش را دستیابی به بازار های متنوعی از اروپا، چین و هند در کنار گزینه های اکنونی یعنی ایران و روسیه اعلام کرد. این کشور گر چه در کسب بازار جهانی تا حدودی موفق بوده، اما هنوز برای یافتن بازار مطبوع خود مشکلات زیادی دارد. از دلایل اصلی آنها شرایط ژئوپولتیک و شرایط قیمت گذاری این کشور برای گاز هستند. ترکمنستان بدلیل محصور بودن در خشکی مسیر های مطمئنی برای انتقال انرژی به بازار های جهانی ندارد و به کشور دیگر به ویژه مسیر های روسیه متکی است. متنوع ساختن مسیر های انتقال انرژی بهترین روش برای مقابله با این مشکل است. این کشور میتواند خود را از ۴ مسیر به بازار های جهانی صادر کند:

۱- مسیر غرب: روسیه بزرگترین بازار گاز کشور ترکمنستان را تشکیل می دهد. گاز پروم مهمترین خریدار گاز ترکمنستان است و این شرکت روسی گاز ترکمنستان را به اوکراین و بخشی از آن را به اتحادیه اروپا صادر می کند. ترکمنستان در سالهای گذشته تلاش زیادی برای خروج از استیلای روسیه در این زمینه انجام داده است.

۲- مسیر شرق: این مسیر برای دستیابی به بازار های چین و ژاپن که مسیری طولانی و پرهزینه است. گر چه خط لوله ۷۰۰۰

ک.م که با عبور از ازبکستان و قزاقستان به منطقه سین چیانگ در شرق چین می رسد و یکی از خطوط طولانی انتقال انرژی دنیاست در تاریخ ۱۴ دسامبر ۲۰۰۹ (آذر ۱۳۸۹) با حضور سران کشور های ترکمنستان، ازبکستان، قزاقستان و چین راه اندازی شد.

۳- مسیر جنوب: با عبور از ایران به دریای عمان میرسد. اما تاکنون بدلیل مخالفت های امریکا با همکاری ایران با کشور های حوزه خزر در زمینه انرژی به نتیجه نرسیده است.

۴- مسیر جنوب شرقی: با گذشتن از افغانستان و پاکستان به ساحل عمان میرسد و یا میتواند در ادامه خشکی پاکستان به هند برسد. (تاپی) این مسیر هم به دلایل متعددی چون جنگ و نآرامی های سیاسی در افغانستان و تنش های موجود در روابط هند و پاکستان ، با مشکلاتی همراه است.

سهام افغانستان از پروژه تاپی

با بهره برداری از پروژه تاپی، سالانه افغانستان گذشته از گرفتن گاز کافی از این پروژه ،پیش از ۴۰۰ میلیون دالر حق ترانزیت گاز بدست خواهند آورد. بر بنیاد آمارها، افغانستان در ده سال اول سالانه تا ۵۰۰ میلیون متر مکعب گاز از این پروژه به دست خواهد

آورد. سهم افغانستان از گاز این پروژه، در ده سال دوم به ۱ میلیارد متر مکعب و در ده سال سوم پس از تکمیل پروژه، به ۱،۵ میلیارد متر مکعب گاز خواهد می رسد. آمار های نخستین نشان می دهند که بهره برداری این پروژه، سالانه ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان به افغانستان، پاکستان و هند خواهند رسید. اکنون پروژه تاپی یک پروژه واحد نبوده، بلکه چندین پروژه دیگر نیز در امتداد این لوله گاز طبیعی عملی خواهند شد. یکی از این پروژه ها، پروژه انتقال برق ۵۰۰ کیلووات ترکمنستان، افغانستان و پاکستان است که برق ترکمنستان را به پاکستان از طریق افغانستان انتقال خواهد داد. به اضافه انتقال برق، کسل فایبر نوری نیز در این منطقه کشیده خواهد شد و کشور های همسایه را با هم وصل خواهد کرد. پروژه دیگری که در امتداد خط لوله گاز پروژه تاپی عملی خواهد شد، خط آهنی است که پاکستان و ترکمنستان را از طریق افغانستان با هم وصل میکند. در همین حال، خط آهن بندر تورغندی افغانستان به درازای ۱۳ کیلومتر با هزینه پیش از ۱۰ میلیون دالر توسط کشور ترکمنستان بازسازی خواهد شد.

ویژگی های اقتصادی و تخریکی پروژه تاپی

خط لوله گاز تاپی یکی از پروژه های مهم از نگاه اقتصاد و بازی برد- برد، تعاملات سیاسی همکاری های امنیتی و زیر بنایی منطقه ای به خصوص میان چهار کشور ذی نفع ترکمنستان، افغانستان، هند و پاکستان می باشد. گاهی از این خط انتقال گاز به عنوان خط لوله صلح نیز یاد می شود که دارای ۱۸۱۴ کیلومتر طول بوده و ۸۱۶ کیلومتر آن در خاک افغانستان و ۲۰۰ کیلومتر آن در خاک ترکمنستان واقع شده و مبدأ این پروژه بزرگ منطقه ای از ساحل گازی گالکشن ولایت مری ترکمنستان بوده و از مسیر افغانستان به ایالت بلوچستان پاکستان تا مقصد نهایی یعنی ایستگاه فاضلیکاهدر هند امتداد می یابد.

بر بنیاد برآورد ها بناست که طی سه دهه در حدود ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز از طریق این پایپ لاین به کشور های افغانستان، پاکستان و هندوستان صادر شود. طبق مشخصات تخریکی پروژه، ۱۲ پمپ فشار در مسیر انتقال این طرح نصب خواهند شد که ۵ پمپ آن به ارزش یک میلیارد دالر امریکایی در داخل خاک افغانستان قرار می گیرد. هزینه ساخت این پروژه پیش از ۱۰ میلیارد دار برآورده شده است و در صورت به بهره برداری رسیدن این پروژه علاوه بر ایجاد اشتغال مستقیم برای

بیش از ۱۰۰۰۰ نفر و هزاران شغل غیر مستقیم در زمان ساخت و بهره برداری، سالانه در حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار بابت حق العبور و ترانزیت برای حکومت و مردم افغانستان درآمد خواهد داشت.^۱

۱. موسسه بین المللی انرژی، ارزیابی منافع و مضار اقتصادی انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی ایران در مقایسه با مسیرهای احتمالی دیگر، ۱۳۸۰.

فصل سوم – پیشینه و تاریخچه پروژه تاپی

چگونگی ایجاد پروژه تاپی

طرح اولیه این پروژه در آغاز دهه ۱۹۹۰ پس از فروپاشی و سقوط حکمت کمونیستی کابل توسط شرکت آرچانتینی (یونیکال مطرح شد و با ورود شرکت آیر پلاس) امریکایی با حمایت دولت این کشور شرکت یونیکال کنار زده شد. با قدرت رسیدن طالبان دولت پاکستان همگام با مقامات امریکایی تلاش نمودند که گروه طالبان را با هدف تامین امنیت مسیر احداث این خط لوله انتقال گاز وارد پروژه کند. در زمان طالبان، ترکمنستان گفت که اکنون ترکمنستان ظرفیت اجرا این پروژه را ندارد و باید اجرای آن به یک شرکت خارجی داده شود.

ترکمنستان منتظر میماند هر زمان ظرفیت این کار دارا شد اقدام به اجزا این طرح میکند. در سال ۱۹۹۷ نمایندگان طالبان به دعوت یونیکال به شهر هوستان امریکا رفتند تا با آنان در باره کشیدن این خط لوله مذاکره کند. اما به یک نتیجه قناعت بخش نرسید. وحید مزده وزیر خارجه طالبان در آن زمان که هدف از شرکت یونیکال نشان دادن توان مالی اش به افراد گروه طالبان بود. طالبان نیز خواستار امتیاز مانند ساخت همزمان جاده کابل هرات ساخت شهرکهای مسیر عبور خط لوله برای کارگران و بدست آوردن حق العبور بود. که متناسب با افزایش قیمت گاز

افزایش میکرد که خواست طالبان در این نشست در مقابل عبور این خط لوله به رسمیت شناخت حاکمیت این گروه به عنوان دولت رسمی افغانستان از سوی امریکا بود. یونیکال به امید بدست آوردن این پروژه دفتر خود را به ریاست عبدالسلام عظمی رئیس قوه قضایه افغانستان در کابل باز کرده بود. که بعد از فشار های امریکا به دلیل رفتار طالبان و نقض حقوق بشر دفتر خود را دوباره بست و افغانستان را ترک نمود. ارتباط ترکمنستان با طالبان از سقوط این گروه قطع نگردیده بود.

در سال ۲۰۱۵ نماینده این گروه با مقام های ترکمنستان دیدار نمود و در مورد اجرا این پروژه و تامین امنیت آن مشوره نمودند. بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ در ۲۰۰۳ دوباره مذاکرات در مورد این پروژه با حمایت بانک انکشافی آسیایی آغاز شد. و هند در سال ۲۰۰۸ رسماً به این پروژه پیوست در دسامبر ۲۰۱۰ نه سال بعد از سقوط طالبان اولبن موافقت نامه موسوم به تاپی در عشق آباد پایتخت آن کشور با حضور حامد کرزی رئیس جمهوری اسبق به امضاء رسید. در زمان امضاء این موافقت نامه سران کشور های هند، ترکمنستان، پاکستان و افغانستان ابراز امیدواری کردند که این طرح در سال ۲۰۱۴ در سال ۲۰۱۷ تکمیل میشود. ولی این طرح بروی کاغذ قرار داد باقی ماند. و بلاخره در دسامبر ۲۰۱۵

اولین کلنگ این طرح توسط مقام های چهار کشور هند، افغانستان، پاکستان و ترکمنستان به زمین خورد و تمدید خط لوله گاز رسماً آغاز شد. آغاز کننده گان این طرح اعلام کردند که کار ساخت خط لوله تا ماه دسامبر ۲۰۱۹ به پایان خواهد رسید. شرکت لوله گاز تاپی که با همکاری چهار کشور عضو و با هدف ساخت مالکیت و فعالیت لوله گاز تاپی ایجاد شده اجرا طرح را به عهده دارد.



پیشینه داخلی

در رابطه به بررسی وضعیت تطبیق پروژه های انکشافی در افغانستان مقالات و گزارشی به نشر رسیده است که از جمله می توان به مقالات ذیل اشاره نمود.

عبدالهادی وحید در مقاله که تحت عنوان (قرار داد پیمان کاری در افغانستان) به تاریخ ۱۳۹۵ منتشر شد در رابطه به چالش های تطبیق پروژه های انکشافی در افغانستان چنین ابراز نظر نموده است. در تمامی کشور ها، یکی از مهم ترین و اساسی ترین وظایف دولت، ارائه خدمات عمومی برای شهروندان است. البته غرض از خدمات عمومی، فعالیت های عام المنفعه ای است که از طریق نهاد های عمومی و یا خصوصی، با هزینه عمومی و تحت نظر دولت ارائه می شود. از ارائه خدمات در حوزه آموزش و پرورش گرفته با بهداشت و درمان، تامین اجتماعی، زیر ساخت های اقتصادی و آب و برق همه در این شمارند. اگر دولت این وظیفه اش را با معیار های کارایی و اثر بخشی انجام دهد، سبب توسعه کشور گردیده و اگر در انجام درست و موثر آن سهل انگاری و کوتاهی کرد، نه تنها سبب توسعه و رفاه نمی گردد که زمینه حیف و میل بیت المال را فراهم کرده و فساد را تقویت نموده و گسترش می بخشد.

افغانستان بعد از سقوط رژیم طالبان و حضور پر رنگ و کمک های چشم گیر جامعه جهانی در این کشور فرصت فوق العاده مناسبی برای ارائه چنین خدماتی به شهروندان اش را به دست آورده بود تا نه تنها نیازمندیهای ابتدایی مردم را پاسخ دهد، بلکه می توانست با استفاده از منابع فراهم شده و در چوکات قرار داده های تدارکات، پروژه های زیر بنایی و بنیادین را جهت ثبات، رفاه و توسعه اقتصادی کشور طرح و اجرا نماید. پس از سقوط طالبان در افغانستان در سال ۱۳۸۰ و با تشکیل کنفرانس بن جهت ایجاد اداره موقت، استقرار نیرو های حافظ صلح و تصویب قانون اساسی در این کشور، جامعه جهانی متعهد به کمک های بلا عوض هنگفتی برای تامین امنیت و بازسازی افغانستان گردیدند که طی یک دهه رقم این کمک ها بالغ بر ۸۵ میلیارد دالر محاسبه شده است. البته باید یادآور شد که مبلغ مزبور تمامی وجوه تعهد شده را در بر میگیرد که از این رقم مبلغ ۵۷ الی ۷۰ میلیارد آن پرداخت گردیده است.

بر بنیاد اطلاعات وزارت مالیه افغانستان، پیش از نصف کمک های یاد شده (۵۱٪) در بخش امنیت و متباقی آن در سایر عرصه های نظیر ایجاد و زیر بنا ها و تقویت نظام کشاورزی و غیره هزینه گردیده است. این رقم در واقع مبلغی هنگفت و چشم گیری است

که اگر در قسمت مصرف آن با برنامه ریزی دقیق تر و توجه بیشتر کار صورت می گرفت مطمئناً وضعیت امنیتی و زیر بنا های اقتصادی و کشاورزی، از آن چه امروز شاهد آن هستیم، به مراتب بهتر و قوی تر و پیشرفته تر می بود از جانب دیگر، برنامه ریزی درست و دقیق دولت افغانستان در راستای مصرف پول های کمک شده، می توانست بخش بزرگی از بی کاری را که مایه ناامنی و بی ثباتی کشور دانسته می شود تا حد ممکن حل کند.

هر چند وزارت اقتصاد افغانستان در نخستین گزارش خویش تحت عنوان "ارزیابی اشتغال زایی پروژه های انکشافی" که در اواخر سال ۱۳۹۵ به نشر رسید، از تلاش دولت در زمینه ایجاد کار و اشتغال برای شهروندان سخن گفته است و مدعی اشتغال زایی در پروژه های انکشافی برای شهروندان گردیده است، اما اذعان نموده است که عدم موجودیت آمار و ارقام در وزارت خانه ها و ادارات دولتی، از رقم دقیق تعداد شغل های ایجاد شده توسط پروژه های انکشافی و میزان اشتغال شهروندان کشور در آن، معلومات موثق در دست نیست. گزارش مزبور که ایجاد شغل را یکی از راه های جلب رضایت شهروندان و نیز عامل رشد اقتصادی در کشور می داند، اما روند هزینه و مصرف کمک های بی سابقه جامعه جهانی به افغانستان را در راستای اشتغال زایی و بهبود زندگی شهروندان

و به ویژه کارگران، رضایت بخش نمی داند. مقاله دیگر از سید نصرت می باشد که تحت عنوان "نقش جامعه جهانی در بودجه سازی ولایتی در افغانستان" به تاریخ مارچ ۲۰۱۵ به نشر رسید در رابطه به فرصتها و چالشهای تطبیق پروژه های انکشافی غور و بررسی نموده و چنین بیان داشته است؛ بدون شک، امنیت و تمویل دو مشکل عمده بیرونی است که پیشرفت و ثبات انجوها را متاثر می سازد، با این حال چالش های داخلی نیز در مقابل این موسسات قرار دارند.

هیچ کس در جامعه جهانی افغانستان سال ۲۰۰۴ و اقدام بشر دوست مبنی بر تهدید به بسته نمودن انجوها را بدلیل عدم شفافیت و مشروعیت نمی تواند فراموش کند. درک اینکه بودجه به توقعات مردم رسیدگی نمی تواند و مهمتر از آن فشار بین المللی باعث گردید تا دولت افغانستان یک سلسله ابتکارات را بخاطر رسیدگی به مسئله تمرکز و عدم موثریت بودجه روی دست گیرد. از سال ۲۰۰۵ تا به حال، دولت چندین برنامه را آغاز نموده است. اکثر این برنامه ناکام مانده اند، هر چند عده ای از آنها نتایج مجمل داشته است. با این حال هیچ تمرکز زدایی موفقانه توسط دولت صورت نگرفته است. در سال ۲۰۰۵ کمیته های انکشاف ولایتی از طریق یک تصمیم کابینه بوجود آمدند تا برنامه

ریزی ولایتی را در هماهنگی با وزارت خانه های سکتوری به پیش ببرند و در عین حال مسئولیت برنامه های انکشاف ولایتی را نیز بعهده داشته باشند. در هر ولایت، والی همان ولایت رئیس کمیته انکشاف ولایتی میباشد. با این حال این کمیته ها هیچ نوع صلاحیت بودجوی نداشتند و در تدوین بودجه در سطح ولایتی هیچ نقشی را ایفا نمی کردند.

در سال ۲۰۰۶ دفتر مسئول بودجه سازی ولایتی در وزارت مالیه بخاطر تدوین پالیسی های بودجه ولایتی، ظرفیت سازی و تدخیل نیاز های ولایتی در بودجه ملی بوجود آمد. البته این دفتر فقط در جنب انکشافی بودجه کار می کند و در بخش عملیاتی نقشی را ایفا نمی کند. از بدو تاسیس، این دفتر بصورت کل سه پالیسی بودجه سازی ولایتی را تدوین نموده است که در سال ۲۰۰۷، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۳ بوده اند.^۱

پیشینه خارجی

جولیا مینویا و اور شرید در تحقیقی که در سال ۱۳۹۷ تحت عنوان "روش های انکشاف اقتصادی" به نشر رسید در رابطه به

کریمی، سخی خان، چگونگی بهره برداری پروژه تاپی و نقش اقتصادی آن^۱
برای کشور ها، بلخ: موسسه تحصیلات عالی تاج، ۱۳۹۴.

چگونگی و روش های تطبیق پروژه های انکشافی افغانستان در یک دهه گذشته تحقیق و چنین بیان نموده اند که:

شناخت بسیار اندک در مورد طرزالعمل های مقرراتی که بازار های افغانستان را اداره میکند وجود دارد و حتی اذعان کردن به ماهیت توزعی اقتصاد افغانستان در نخستین مراحل و طرح مداخلات سفارشی انکشاف اقتصادی چالش زا است. تحلیل های زیادی در رابطه به کاستی ها و محدودیت های سیستم اقتصاد افغانستان وجود دارد سلسه این تحلیل ها از گزارشات در مورد فضای سرمایه گذاری و بررسی به راه انداختن تجارت در سطح پالیسی آغاز و تا به تحلیل خلا، در زنجیره های ارزش در سطح بازار و کاروبار کوچک میرسد. این امر چالش زا میباشد ولی ضروریست که میخانیکیت های نهاد های اجتماعی را که اقتصاد افغانستان را در تئوری تغییر، شکل میدهد شامل ساخت. با چند استثنائات از تحقیقات ساحوی، نهاد های تمویل کننده با شواهد اندک از اینکه بازار های افغانستان واقعاً چگونه تنظیم میگردد، برنامه را شکل میدهند. علاوه بر این، مهارت ها، ظرفیت های تحلیلی و ابزار شناخت از چگونگی تطبیق پروژه های انکشافی در افغانستان در واقع در بسیاری از نهاد های انکشافی افغانستان در دسترس نیست. این امر شناخت معیار های اجتماعی، توقعات و

ارتباطاتی که دسترسی انفرادی را به فرصت های اقتصادی تنظیم میکند شامل میگردد، همچنان این امر شامل نقابسی مانند مهارت های تخنیکی و نظم اداری میگردد. مقال دیگر از ویلیم ای بایرد می باشد که تحت عنوان "پرورش فضای رشد و انکشاف" به تاریخ می ۲۰۱۴ به نشر رسید در رابطه تطبیق پروژه های انکشافی در افغانستان چنین بیان شده است؛ افغانستان بعد از سال ۲۰۰۱ پیشرفت بزرگ ولی ناموزون داشته است. رشد بلند اقتصادی، بهترین شاخص های اجتماعی هکذا، بعضی سرمایه گذاری ها در انستیتوت های دولتی و زیر بنا ها صورت گرفته است.

نظریه سرمایه گذاری خارجی و توسعه

اقتصادی

دستیابی به هدف رشد و توسعه اقتصادی در هر کشوری مستلزم تشکیل سرمایه برای تامین منابع مالی مورد نیاز طرح های اساسی و زیربنایی است. کشور هایی که برای توسعه خود در داخل از سرمایه کافی برخوردار نیستند، به سرمایه گذاری های خارجی " انتقال وجوه با مواد از یک کشور به کشور دیگر جهت استفاده در تاسیس یک بنگاه اقتصادی در کشور اخیر در ازاء مشارکت

مستقیم یا غیر مستقیم در عواید آن" می باشد. در خصوص علل سرمایه گذاری خارجی و تصمیمات راجع به اقدام به سرمایه گذاری در کشور های دیگر نظریات متعدد از دهه ۱۹۶۰ به بعد شکل گرفته اند.

نظریه روش های جذب سرمایه گذاری خارجی

جذب سرمایه گذاری در کشور های مختلف به روشهای گوناگون صورت می گیرد. برای دستیابی به سرمایه گذاری خارجی استفاده از روش وامگیری دولت از کشور ها و نهاد های ملی خارجی برای اجرای برنامه های خود و روش جذب سرمایه های مستقیم خارجی معمول است. به عنوان مثال کشور های امریکای لاتین بیشتر از روش اول یعنی روش وامگیری استفاده می نمایند و کشور های جنوب آسیا جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی را ترجیح می دهند. اما تجربه شکست گروه اول و موفقیت بیشتر کشور های گروه دوم استفاده از سرمایه گذاری خارجی ره معقول تر می نماید. نمونه بارز موفقیت گروه دوم (استفاده از سرمایه گذاری خارجی) کشور قطر است، نزدیک به دو دهه از فعالیت های توسعه ای قطری ها در پارس جنوبی می گذرد و امروزه این کشور با استفاده از ذخایر میدان مشترک پارس جنوبی و قرقر دادها و سرمایه گذاریهای عظیم انجام شده از سوی شرکتهای

ژاپنی کره جنوبي و امريكايي به بزرگترين صادر كننده (گاز طبيعي مائع) تبديل شده است. بحران جهاني باعث کاهش سرمايه گذاري مستقيم خارجي در بيشتر كشورهاي توسعه يافته و در حال توسعه شده و حجم كلي اين شاخص را از ۱۷۷۱ ميليارد دالر در سال ۲۰۰۸ به ۱۱۱۴ ميليارد دالر در سال ۲۰۰۹ کاهش داد؛ در حالي كه اين شاخص در سال ۲۰۰۷ معادل ۲۱۰۰ ميليارد دالر بود.

نظريه همگرایی اقتصادی

“منطقه گرایی” و “همگرایی منطقه ای” از جمله نام آشنا ترين مفاهيمي هستند كه در نيم قرن اخير در مباحث روابط بين الملل، مورد توجه قرار گرفته اند. در شكل گيري چنين اهميت و اعتنايي، عواملی موثر بوده اند كه می توان آن ها را در دو وجه نظری و عملی مورد بررسی قرار داد. با پايان يافتن جنگ جهاني دوم كه آغاز و امتدادش، متاثر از كشور گشايي هاي منبعث از ناسيوناليسم افراطي مبتني بر محوريت دولت- ملت بود، در رفتار سياسي بخشي از بازيگران بين المللي نشانه هاي ظهور احساسات ما فوق ملي گرايي ديده مي شد. با اين همه، نگاه غالب در اكثر كشور جهان سوم كه برخي از آن ها به تازگي توانسته بودند با

رهایی از استعمار، وارد پروسه دولت-ملت سازی شوند، گرایش به ناسیونالیسم بود.

با نتایج موفقیت آمیز مذاکرات تجاری در اروگوئه و تشکیل سازمان تجارت جهانی و تسهیل ارتباطات جهانی، پدیده جهانی شدن بازارها رقم خورد. با جهانی شدن اقتصاد جهانی در دوره زمانی بعد از جنگ جهانی دوم و افزایش وابستگی متقابل در حوزه های تولید، تجارت و امور مالی، دولت-ملت ها ناچار شدند به طور همزمان وارد پروسه ای نوین از "انطباق و سازگاری با فشارهای جهانی و مقاومت در مقابل آن" شوند. آن پدیده ای که ظرفیت انجام این دو امر را در خود متبلور می ساخت؛ "ظهور بلوک های تجاری منطقه ای در درون اقتصاد جهانی یکپارچه ساز" بود. همکاری های منطقه ای از سوئی، جمعی از کشورهای بی اعتنا به قواعد بی المللی را ملزم به تبعیت از چنین قواعدی می کند و از سوی دیگر در برابر امواج فزاینده و مخرب جهانی شدن که می تواند اقتصادهای کوچکتر را نابود سازد، به اتخاذ پاسخ های تدافعی مبادرت می ورزند. از جمله نخستین تلاش های عملی برای محقق ساختن منطقه گرایی، می توان به تاسیس کمیسیون اقتصادی اروپا در سال ۱۹۴۷ اشاره کرد.

با وجود ترتیبات منطقه ای گسترده ای که در اقصی نقاط جهان و عموماً میان کشورهای همسایه صورت عملی به خود گرفت، اما بیشترین تعداد موافقتنامه های اعلام شده از سوی کشورهای در حال توسعه، در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ و طی سال های ۱۹۹۰ - ۱۹۹۴ منعقد گشته است. این امر را می توان از زاویه تمایلات نخستین و ناسیونالیستی این کشورها و رواج ایده های مبتنی بر "فرسایش حاکمیت ملی در عصر جهانی شدن" مورد بررسی قرار داد.

طبق چنین نگرشی، در دهه ۱۹۹۰ و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت های ملی در حال از دست دادن استقلال خویش در حوزه های مختلف هستند و با تحولات که در ابعاد اقتصادی، ارتباطات و فرهنگ رخ داده است، اینک استفاده از عنوان "فراوستفالیا" برای توصیف ساماندهی سیاسی بین المللی، مناسب تر است. برخی نیز به چنین روندی، عنوان "پسا بین الملل" را اطلاق نموده اند. البته چنین نظری که قائل به تجدید حاکمیت دولت ها در فرایند جهانی شدن به سود حاکمیت فراملی، است، که در نگرش های رئالیستی و نورئالیستی مطرح

نمی شود و این دیدگاه های لیبرالیستی و نولیبرالیستی است که به ترویج چنین آرای بی پرداخته است.^۱

همگرایی منطقه ای

در کنار اصطلاح منطقه گرایی، اصطلاح "همگرایی منطقه ای" نیز معنایی مترادف را به ذهن تداعی می کند. نقطه ثقل مفهوم همگرایی منطقه ای، مفهوم "فوق ملی گرایی" است که ارنست هاس آن را اینگونه تعریف کرده است: "نوعی اجتماعی یا تجمع که در آن قدرت بیش از آنچه به سازمان های بین المللی ستیزه جو داده شود، به مرکز اعطا شده است." اگر چه این تعریف، چه بسا در نگاه نخست، تناقض آمیز به نظر برسد، اما با التفات به این نکته که هاس مفهوم فوق ملی گرایی را با اشاره به سیستم های فدرال باز نمایی کرده است، دریافته می شود که فدراسیون به حکومتی اطلاق می گردد که حاکمیت و قدرت سیاسی را به نحوی میان دولت مرکزی و دولت محلی تقسیم می نماید که هر یک در محدوده قلمرو خودشان مستقل از دیگران باشند. با چنین پیش فرضی، هاس به عنوان مبدع تئوری همگرایی، آن را پروسه

تدینی، مهدی، بررسی پتانسیل نفت و گاز دریای خزر و پروژه مرتبط با آن، مجله ^۱ اکتشاف و تولید، شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۸۹

ای می داند " که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد و راغب می شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت های سیاسی شان را به سمت مرکز جدیدی که نهاد هایش دارای اختیارات قانونی یا متقاضی اختیارات قانونی و رای اختیارات و دولت ملی باشد، سوق دهند." بنابراین همگرایی به معنای ترکیب و ادغام اجزا در یک کل است و با یکسان سازی سیاست های اقتصادی و سیاسی بازیگران در قبال یکدیگر، به نوعی آزاد سازی تبعیض آمیز تجارت منجر می گردد.

هدف اساسی همگرایی اقتصادی آزاد سازی تجاری است و در کنار آن به " گسترش تولید جهانی و بالطبع آن تخصص در تولید داخلی، کسب درآمدهای ارزی، کاهش هزینه های تولید در سطح منطقه، افزایش تجارت، صرفه جویی در منابع کمیاب داخلی، توزیع بهینه درآمد، افزایش کارایی در تولید و تجارت، افزایش سرمایه گذاری های خارجی و استفاده از مزیت های نسبی " یاری می رساند.

همانگونه که از تعریف هاس بر می آید، همگرایی بیشتر از آنکه هدف باشد، روندی است که یک سوی آن ادغام اقتصادی و سوی دیگرش اتحاد سیاسی و اتخاذ رویه های مشترک در سیاست های خارجی و امنیتی است. البته در دنیای واقعیت، حرکت از هر دو

سوی طیف به سمت دیگر، تجربه شده است. اتحادیه اروپا در آغاز اهدافی صرفاً اقتصادی را دنبال می کرد، اما به تدریج در مسائل سیاسی نیز وارد شد. برعکس آن، آسه آن، در ابتدا اهداف سیاسی و امنیتی را دنبال می نمود، ولی بعد ها همکاری های اقتصادی را به سیاهه همکاری ها افزود. به نحوی پس از امضای موافقتنامه تجاری در سال ۲۰۰۵ میلادی و خدمات در سال ۲۰۰۷ میلادی، میان چین و آسه آن، حجم مبادلات تجاری به ۱۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. در حال حاضر و به خصوص با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی و جنگ سرد، آنچه بیشتر پیمان های منطقه گرایانه را به پدیده ای جذاب بدل می کند، دو اصل اقتصادی مغایر تجارت آزاد و سایست های حمایتی است. به همین دلیل " از ابتدای دهه ۹۰ تا اکنون روند اصلاح قوانین و مقررات مربوط به ترتیبات تجاری بلوک های منطقه ای بیشترین وقت رهبران سیاسی و اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده است."

منطقه گرایی در نظریه های روابط بین الملل

در میان نظریات غالب در روابط بین الملل، نگرش های لیبرالیستی و نولیبرالیستی بیشترین قرابت را با نگرش های منطقه گرایانه دارا هستند. نظریات نکوین گرای

Constructivism نیز پیوستن به سازمان های منطقه ای و بین الملل را حاصل نوع نگرش و تصور دولت ها در مورد منافع و محیط که در آن حضور دارند، می دانند. دو نگرش رئالیستی و رادیکالیستی اما، روش خوشی به مباحث همگرایی منطقه ای نشان نمی دهند. واقع گرایی **Realism** را " مهمترین و پایدار ترین نظریه روابط بین الملل " دانسته اند و از نظریه پردازان آن به عنوان " جریان اصلی " در روابط بین الملل نام برده شده است. ای اچ . کار زیر بنای فلسفه واقع گرایی را سه آموزه ماکیاولی دانسته است:

- 1 - تاریخ عبارت است از یک سلسله علت و معمولی که با تلاش فکری می توان جریان آن را تحلیل و درک کرد، اما با تصورات آرمان گرایان نمی توان آن را هدایت نمود.
- 2 - نظریه، عمل را به وجود نمی آورد، بلکه این عمل است که نظریه را می سازد.
- 3 - سیاست تابع اخلاق نیست، بلکه اخلاق برآیند قدرت است. با بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و رخت بر بستن روح همکاری بین المللی در میان دول جهان

ومتقاعب آن، با آغاز جنگ جهانی دوم، نظریات واقع گرایانه دست به کار تبیین نظم بین الملل شدند.

ظهور واقع گرایی بودن، که مدنی در دهه های ۲۰ و ۳۰ میلادی، حاشیه نشین نگرش های "آرمان گرایی خیالی" و مبتنی بر همکاری بین المللی شده بود، با احیا انکاره های سنتی روابط بین الملل همراه بود. به زعم اسپنر، این آموزه ها عبارت بودند از: "دولت ها بازیگران اصلی در سیاست بین الملل اند؛ محیط با نظام دولتی که دولت ها در آن زندگی میکنند اساساً انار شیک است، تعارض در این نظلم را در بهترین حالت می توان در جهت کاهش احتمال جنگ اداره نمود، اما جنگ را نمی توان منسوخ کرد و در کل، نکته اصلی این بود که راه حل نهایی برای جنگ وجود ندارد؛ توسل به منافع مشترک بشر در بقا و توسل به حکومت جهانی به جای نظام مرکب از دولت ها، جملگی پوچ است؛ مدیریت نظام باید مبتنی بر "منافع ملی" دولت ها باشد و بهترین راه حفظ صلح بر برقراری موازنه قدرت است." با چنین تفاسیری، منطقی است که نگرش نظریات واقع گرایانه به سازمان های بین المللی ترتیبات منطقه ای، مثبت نباشد و آن را در روند تحولات جهانی، حاشیه ای ابزاری قلمداد کنند.

طبق نظر کلی کیت پیس، سازمان های منطقه ای در نهایت بازتاب ساختار قدرت در سطح منطقه و دولت ها هستند و بدون اراده و همسویی منافع دولت ها، آن ها نه تنها تداومی نخواهند یافت، بلکه اساساً تشکیل نخواهند شد. ترتیبات منطقه ای، اقدامات قدرت های بزرگ منطقه ای و جهانی را مشروعیت می بخشند و رفتارشان بازتاب ساختار قدرت در همان منطقه است و به همین دلیل، از نقش برجسته ای در مسائل مهم مبتلا به نظام بین المللی برخوردار نبوده و تنهادر مسائل کم اهمیت، می توانند ایفای نقش کنند. در نگرش های نو واقع گرایی، اما، تعدیلاتی در نگاه واقع گرایان ایجاد می شود، زیرا طبق آموزه های واقع گرایی، " هر چند در نظام بین الملل همیشه گرایشی به بی ثباتی وجود دارد، در صورت وجود یک دولت مسلط دارای موقعیت هژمونیک، می توان این وضع را تعدیل کرد" و بنابراین " در صورت وجود چنین ثبات هژمونیک، نهاد های بین المللی می توانند بنیادی مطمئن برای همکاری میان دولت ها فراهم کنند که کارکرد نظام اقتصادی بین المللی شکل گرفته پس از جنگ، گواهی بر این ادعا است."

از طریق همین تعدیل نظری و آنچه کالین های آن را "بخش بین پارادایمی" بین نو واقع گرایان و نئولیبرال ها می نامد، زمینه های

برای تفاهم بیشتر میان این دو دیدگاه ایجاد شده است. این امر، امروزه به نحوی است که حتی برخی معتقدند: "تعیین دقیق جایگاه نو واقع گرایان یا نئولیبرال های برجسته اغلب دشوار است." با این همه، لازم است چرایی و چگونگی چنین قرابتی را با مطالعه تاریخ نظریه لیبرالیسم و زایش نظریه نئولیبرالیسم نشان داد. لیبرالیسم پایه علم روابط بین الملل است و شکل نوین آن ریشه در نارضایتی از آن نظام جهانی است که موجد جنگ جهانی اول شد.^۱

هرینو، ژرارد، شناخت و آمادگی مواجهه با خطر های پروژه، ترجمه: محمد^۱ راد، تهران: انتشارات نسل تواندیش، ۱۳۸۷.

نتیجه گیری

نقش اقتصادی بهره برداری پروژه تاپی برای افغانستان و کشور های عضو تاثیرات مثبت دارد که مهمترین آن قرار ذیل است : بدون شک این یک پروژه بزرگ و پر منفعت برای هر چهار کشور عضو و منطقه است که برای عملی شدن آن هر چهار کشور سهم یکسان دارد ولی از نگاه سود آوری و منفعت افغانستان در قدم نخست قرار دارد چون که افغانستان سال های متمادی است که متکی به کمک های کشورهای خارجی بوده و بیشترین افراد کشور زیر خط فقر زندگی میکردند. سالانه بیشترین افراد این کشور قربانی مهاجرت ها میگردد و با خارج شدن آن پول از کشور خارج گردیده باعث ایجاد تورم میشود که دلیل این همه مشکلات بیکاری گسترده در این کشور است. رابطه ای بین پروژه تاپی و اشتغال زایی در افغانستان وجود دارد که یکی از فکتور های خوب این پروژه اشتغال زایی آن است این پروژه قادر به

ایجاد ۱۴ هزار فرصت شغلی است که زمینه کار را برای افراد تحصیل کرده و هم بیسواد فراهم میکند. عواید داخلی افغانستان تکافوی بودجه کشور را نمیکردند که از طرف کشورهای خارجی عطا می گردد. این پروژه قادر است که برای افغانستان برای مدت ۳۰ سال بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد دالر درآمد زایی می کند که متناسب بر ۱/۴ حصه درآمد حکومت فعلی میباشد که قادر است تا یک حصه از کسر بودجه دولت را تکافو کند. یک دیگر از مشکلات عمده مردم این کشور مواد سوخت قابل دسترس است و گاز به قیمت مناسب در فصل زمستان و دیگر فصل های سال است که معمولاً در فصل زمستان قیمت گاز صعود می کند و باعث ایجاد مشکلات مالی برای افراد این کشور میگردد که با اجرا شدن این پروژه این مشکلات نیز رفع خواهد شد و تمام افراد گاز را به قیمت مناسب در تمام فصل های سال به دست خواهد آورد. پروژه تاپی بر رشد زیر بنا ها و باز سازی آن نقش دارد که

افغانستان سرشار از منابع طبیعی بوده که یکی از منابع آن گاز است اگر این کشور قادر به استخراج آن شود و اگر بخواهد آن را به بازار های خارجی به فروش برساند این پروژه قادر است که گاز این کشور به هند و پاکستان انتقال بدهد. پاکستان یکی از کشورهای است که سالیان متمادی با افغانستان روابط تجارتي دارد این کشور هیچگاه برای افغانستان خوشبین نبوده که با عملی شدن این پروژه روابط پاکستان با افغانستان هم از لحاظ تجارت و هم از لحاظ امنیت بهتر خواهد شد. هر فعالیت که آغاز میگردد که این پروژه از سوی کشورهای همسایه مانند ایران ، روسیه به مشکلات روبرو است ایران تلاش میکند که پروژه صلح خویش را همانند پروژه پروژه تاپی گاز ایران را از طریق پاکستان وارد هند میگردد. جاگزین این پروژه کرد چین از جمله کشور است که نیاز مبرم به گاز ترکمنستان دارد با کمک کردن با افراد القاعده که آن باعث

ایجاد مشکلات به سر راه این پروژه میگردد نمیخواهد که این پروژه به اتمام برسد.

جنگ در افغانستان، مشکلات امنیتی در پاکستان و اختلافات هند و پاکستان از جمله موانع احداث خط لوله تاپی محسوب میشود. هم ترکمنستان و هم افغانستان، می خواهند سالانه میلیون ها دالر بابت نقل و انتقال گاز درآمدزایی کنند اما فضای متشنج سیاسی میان سه کشور هند، افغانستان و پاکستان به قطعیت رسیدن این تفاهم را با شک و تردید همراه کرده است. ترکمنستان نیز در این توافق نامه ای که با پاکستان و هند داشته است اعلام کرده که هیچ تعهدی بعد از او واگذاری گاز در مرز های خود، اعم از مشارکت در احداث خط لوله، یا تعهد در قبال امنیت آن بر عهده نخواهد گرفت. بنابراین چالش های بی شماری درباره این طرح میان کشور ها وجود دارد. البته نباید از خاطر برد این طرح از حمایت بی شائبه ایالات متحده امریکا برخوردار است

و امریکا برای عدم تحقق طرح خط لوله صلح که قرار بود گاز حوزه پارس جنوبی را از ایران به پاکستان و هند منتقل کند، از پروژه احداث خط لوله تاپی حمایت کنند. با وجود چالش ها و مشکلات زیاد بر سر اجرای این طرح، باید توجه داشت که در صورت عملی شدن آن، نه تنها اقتصاد افغانستان از طریق کسب عوارض ترانزیتی تقویت می شود، به لکه مناسبات میان هند و پاکستان که دو رقیب متخاصم در منطقه محسوب می شوند نیز مستحکم تر خواهد شد. با آن که پروژه ساخت خط لوله تاپی در صورت اجرایی شدن، جهش بزرگی در ارز آوری برای دولت ترکمنستان ایجاد خواهد کرد، اما به نظر می رسد برنامه احداث یک خط لوله گاز طبیعی در منطقه یی که هم افغانستان جنگ زده و هم پاکستان را که با چالش های امنیتی و تروریستی مواجه اند در برگیرد، تا حدی زیادی غیر عملی نشان میدهد و احتمال دارد و این پروژه همچنان در حد یک طرح روی کاغذ باقی بماند و

کم کم به باد فراموشی سپرده شود. در سوی دیگر این مساله ایران قرار دارد که جفری کمپ آنرا مرکز ژئوپولتیک جهان معرفی میکند. مهمترین نقطه قوت ایران در عرصه تجارت گاز وجود منابع و ذخایر غنی گاز است. ایران هم به تولید کننده گان بزرگ گاز یعنی روسیه، قطر و ترکمنستان نزدیک است هم به مصرف کننده گان بزرگ گاز چون اروپا در غرب و چین و هند در شرق. بنابراین میتواند با صدور گاز به کشور های جنوب و شرق آسیا به ویژه چین و هند و پاکستان نقش مهمی در تامین نیاز آنها ایفا کند. همچنین بدلیل دسترسی به اقیانوس ها از طریق دریای عمان به راحتی میتواند از هر دو شیوه انتقال گاز(با خط لوله و با کشتی) بهره ببرد. به نظر میرسد نقش ایران در منطقه علیرغم مخالفت امریکا اما به علت ذخایر بالای انرژی به ویژه گاز و موقعیت استراتژیک جغرافیایی و نیز قدرت بالای چانه زنی منطقه ای هم چنان مهم و قابل اعتنا بماند. گرچه به توجه به زیر

فشار بودن کشور های منطقه در خصوص همکاری با ایران، موضوع صادرات انحصاری از مسیر ایران فعلا منتفی و فقط به عنوان یکی از مسیر های صادرات روی ایران حساب باز می شود اما همچنان رقیب جدی برای کشور های منطقه در فروش گاز به بازار های مصرف محسوب میشود. در این شرایط است که میتوان تامین امنیت انرژی برای ایران امیدوار بود. باید توجه داشت یکی از ابزار های تامین امنیت انرژی برای ایران استفاده از دیپلماسی انرژی است. در این زمینه جلب سرمایه گذاری خارجی و افزایش صادرات انرژی باید مد نظر باشد. امروزه سرمایه گذاری های گسترده ای در بخش نفت و گاز منطقه در جریان است که بازار رقابتی جدی را پیش روی ایران قرار میدهد و آمادگی در این زمینه ضروری است. واقعیت اینست که در دنیای امروز رفتار تجاری نیاز به ابزار ها و اهرم هایی جدید دارد ابزار هایی که با اتکا به راهبرد های عملی در اختیار اقتصاد قرار میگیرد، در

غیراینصورت بدون شک بخش بزرگی از بازار های جهانی به
سادگی از دست می رود.

منابع و مأخذ

۱. تزری، شیرعلی، بارسازی عرصه های اقتصادی افغانستان، کابل، ۱۳۹۷.
۲. تفضلی، فریدون، اقتصادی کلان نظریه ها و سیاست های اقتصادی، تهران، ۱۳۷۸.
۳. کریمی، سخی خان، چگونگی بهره برداری پروژه تاپی و نقش اقتصادی آن برای کشور ها، بلخ: موسسه تحصیلات عالی تاج، ۱۳۹۴.
۴. شادی وند، قادر، بررسی تحولات ساختاری صنعت نفت و گاز تازکمنستان، معاونت برنامه ریزی وزارت نفت، ۱۳۸۹.
۵. کمپ، جفری و رابرت هارکاوای، جغرافیای استراتژیک خاور میانه، ترجمه مهدی حسینی، تهران، انتشارات مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

۶. هرینو، ژرارد، شناخت و آمادگی مواجه با خطر های
 پروژه، ترجمه: محمد راد، تهران: انتشارات نسل
 تواندیش، ۱۳۸۷.

۷. مجتهدزاده، پیروز، جغرافیای سیاسی و سیاست
 جغرافیایی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.

مقالات

۱. اتاق تجارت صنایع افغانستان، پالیسی تشویقی سرمایه
 گذاری، کابل: انتشارات دفتر روابط عمومی، ۱۳۹۲.
۲. اله مرادی، آزاده، ساختار تولید و انتقال انرژی جمهوری
 ترکمنستان، موسسه مطالعات ایران و اورسیا سال
 پنجم، شماره ششم، ۱۳۸۹.

۳. بهروزی فر، مرتضی و سید محمد علی حاجی میرزایی، بازارها جهانی گاز طبیعی و برنامه های صادرات گاز ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ۱۳۸۴.
۴. تدینی، مهدی، بررسی پتانسیل نفت و گاز دریای خزر و پروژه مرتبط با آن، مجله اکتشاف و تولید، شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۸۹.
۵. دیلمی معزی، امین، خزر سیاست جهانی تعامل ژئواکونومی و ژئوپولیتیک، پایگاه حوزه، ۱۳۸۸.
۶. لطفیان، سعیده، ایران خاور میانه انتخابهای دشوار موضوعیت واقع گرایی، فصلنامه سیاست، مجله حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۷.
۷. موسسه بین المللی انرژی، ارزیابی منافع و مضار اقتصادی انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی از ایران در مقایسه با مسیرهای احتمالی، ۱۳۸۰.

۸. کاندیوتی، رافایل، تحلیل تاریخی خطوط لوله نفت و گاز، ترجمه مریم پاشنگ و مجید مجیدی حسین آبادی، نشر موسسه بین المللی انرژی، ۱۳۸۸.
۹. موسسه بین المللی انرژی، ارزیابی منافع و مضار اقتصادی انتقال نفت و گاز آسیای مرکزی ایران در مقایسه با مسیر های احتمالی دیگر، ۱۳۸۰.

TAPI PROJECT



AMINA"BAKHTARI"

Year: 2023